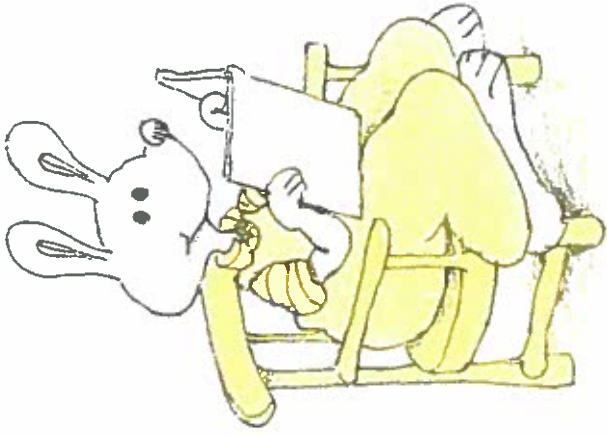
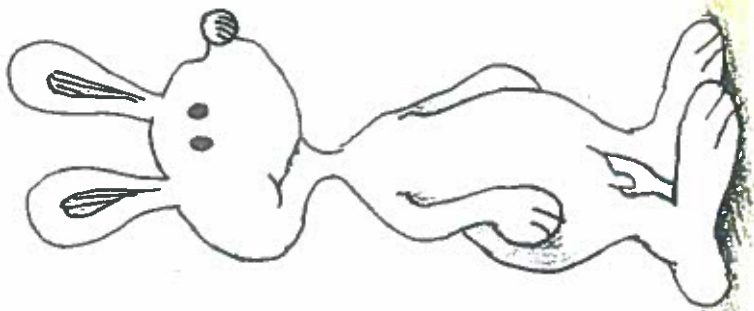


PER 81SK

لودده





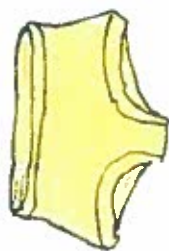
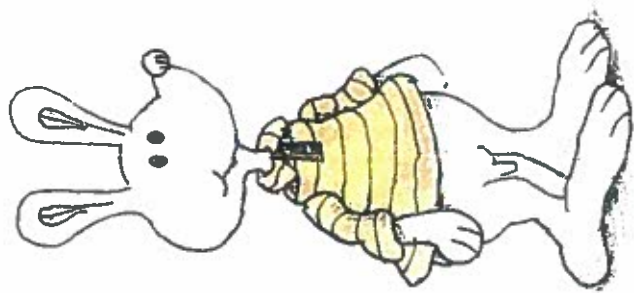
این لوده است.



لوده یک پیراهن خط خطی دارد.
او حالا می خواهد آن را بپوشد.

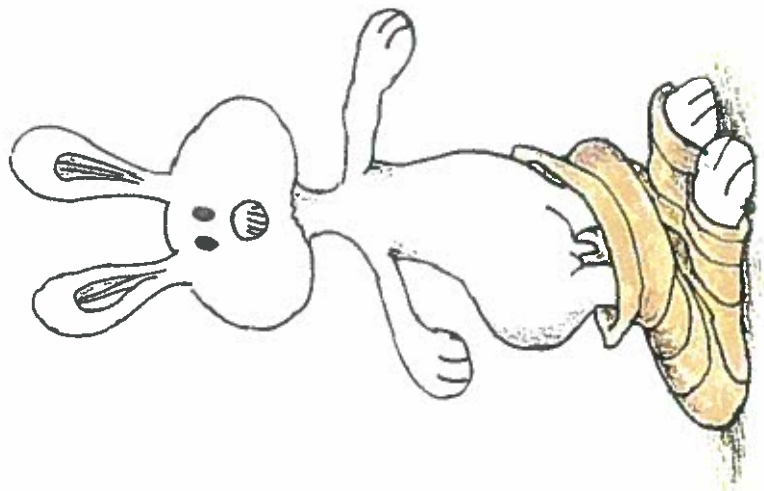
۲

نموده از زیر شلواری زرد رنگ استفاده می کند.
او حالا تصمیم گرفته که آنها را بپوشد.



..... چونکه بایستی چنین باشد، درست نیست؟

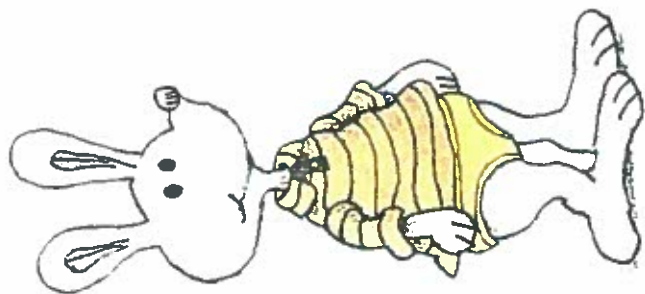
4



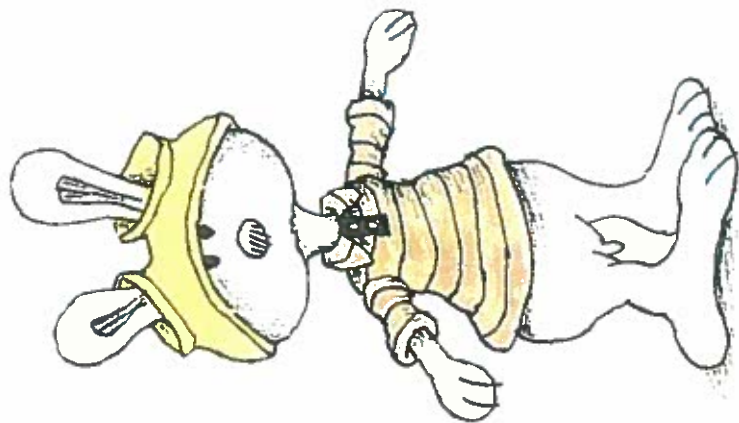
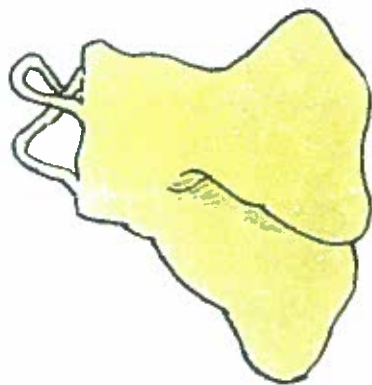
شاید خیلی خوب هم موفق نشد.....

3

... لودده شما بایستی چنین می کردی. - درست نیست؟

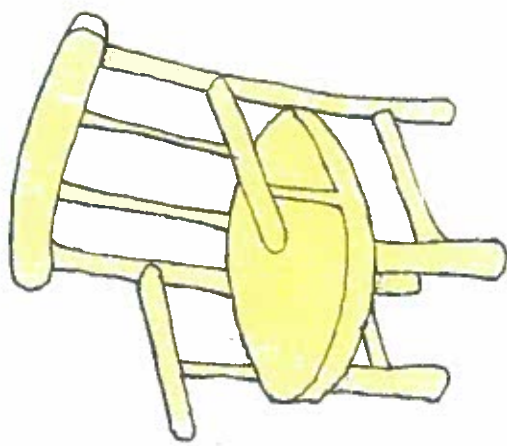


لودده یک شلوار سبز دارد.
حالا می خواهد آن را بپوشد.
لودده مواظب باش! عجله
نکن!



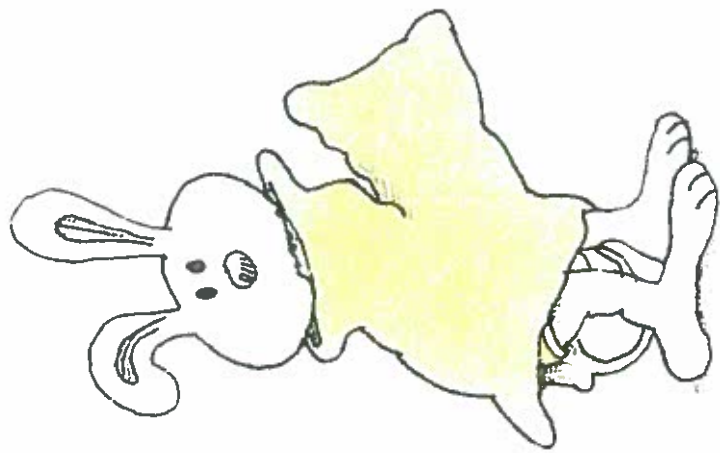
نه نه، همه می توانند اشتباه کنند، ولی

... بسیار بهتره که اینطور آن را ببوشی، درست نیست؟



لودده یک صندلی هم دارد.
او حالا می خواهد روی آن بنشیند.
او به هر حال می تواند از عهده این کار بر آید...

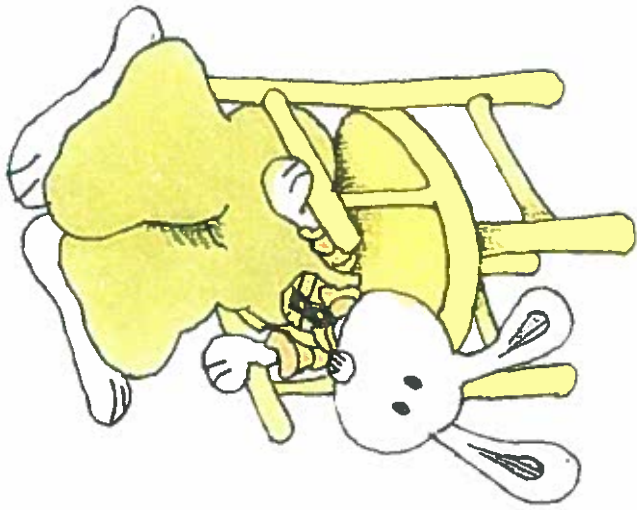
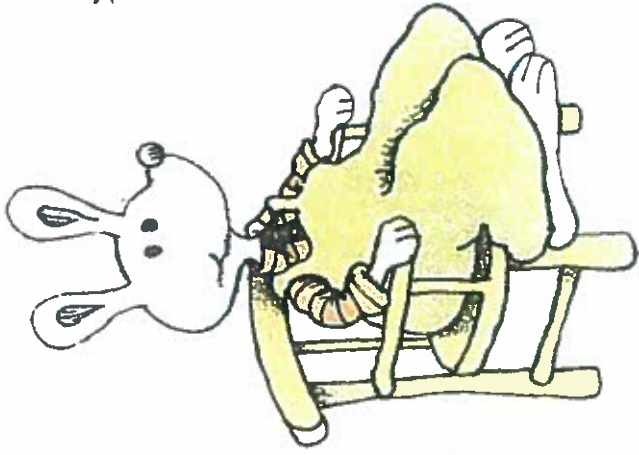
۸



اگر شما خوب به این فکر می کردی، حتما راه حلی.....

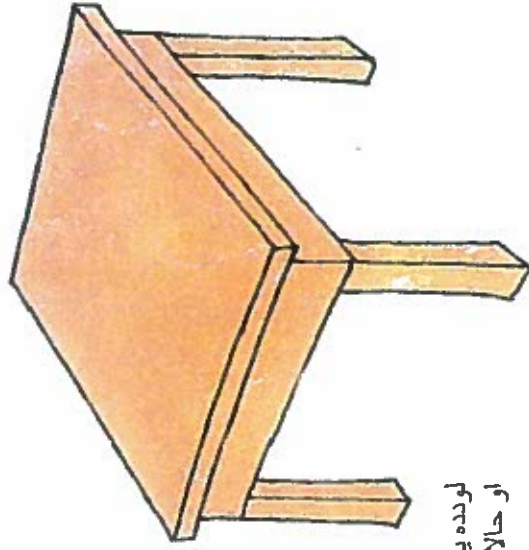
۷

شما حتما بهتر روی باسن می نشینی
تا اینکه روی سر بنشینی؟ ما می بینیم که پاها کاملا
به پایین نمی رسند، ولی به هر حال؟



نه، این هم که نشد.....
گوشها روی کف و پاها به بالا!

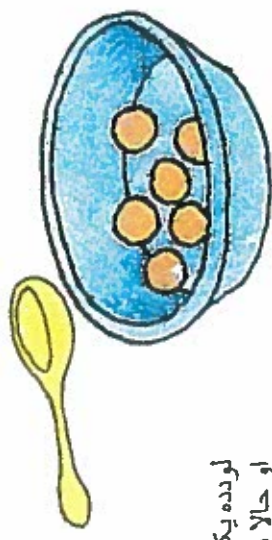
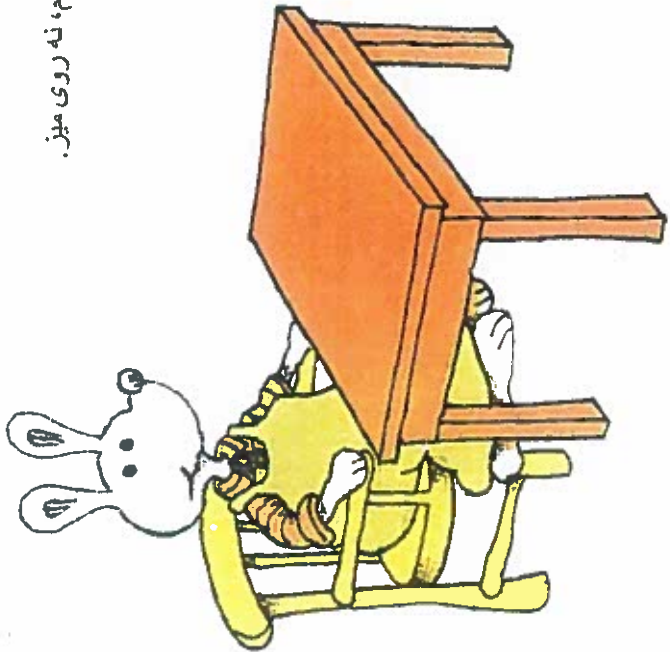
9



لودده یک میز سرخ دارد.
او حالا می خواهد کنار میز بنشیند.

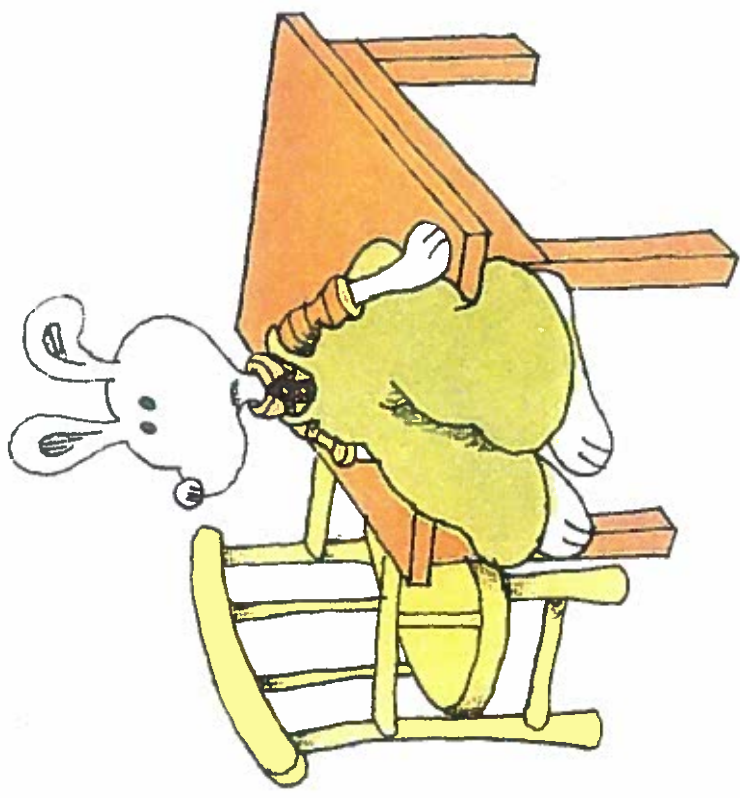
10

... ما روی صندلی می نشینیم، نه روی میز.



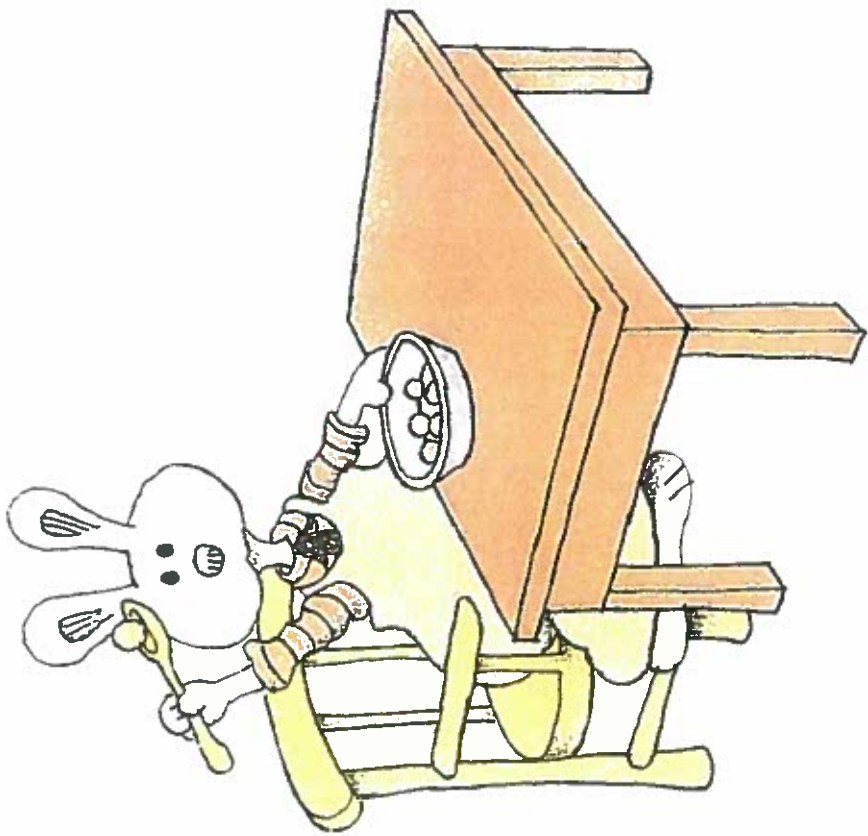
لودده یک کاسه آبی و یک قاشق زرد دارد.
او حالا می خواهد کوفته قلقلی بخورد....

۱۵



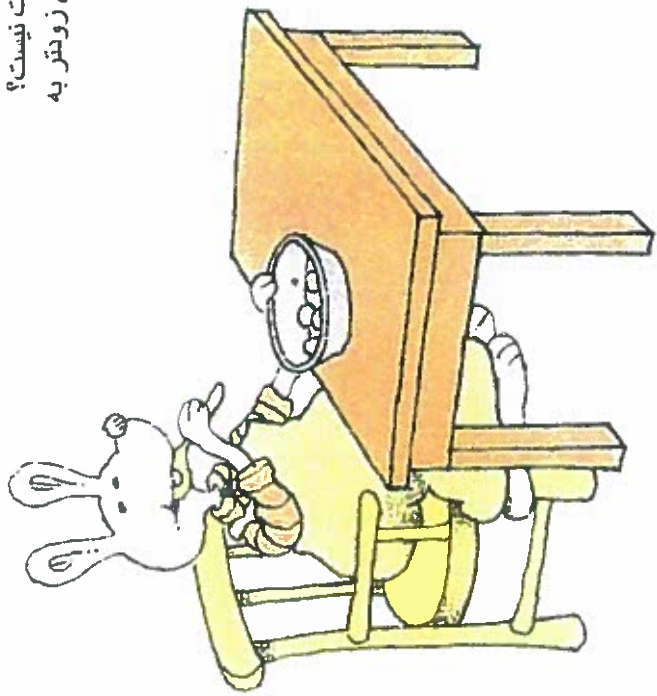
خوب لودده! حالا کاملا خوب نشسته‌ای!
نقط این یادت باشد که

||

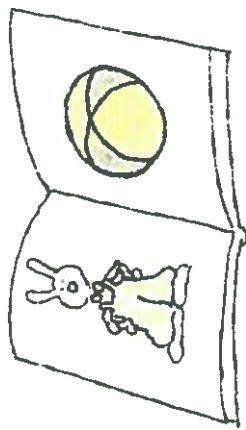


با گوشها!؟!

13

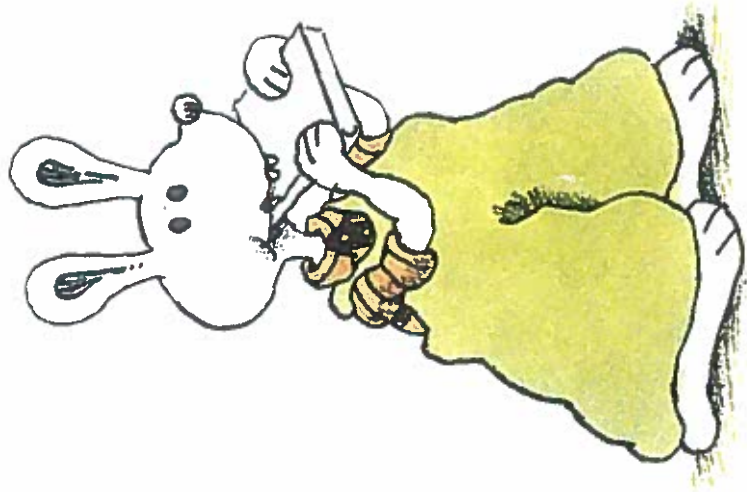


اینطور بهتره، درست نیست؟
بدین شکل غذا خیلی زودتر به
معدۀ می رسد.



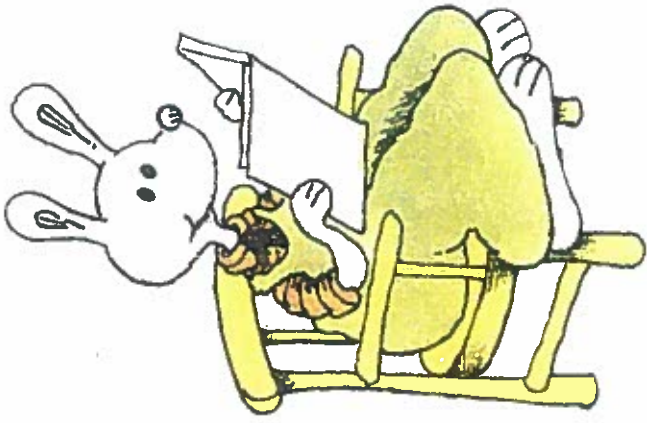
لوده یک کتاب دارد.
او حالا می خواهد به کتابش نگاه کند.

14



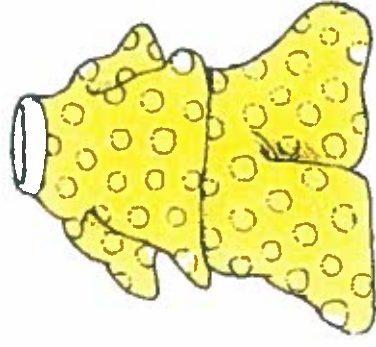
لودده! این یک کتاب است. این نان خشک نیست!
اگر هنوز گرسنه هستی، غذا در یخچال داریم.

۱۵



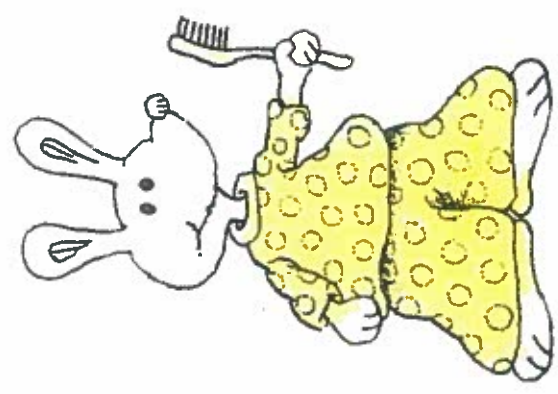
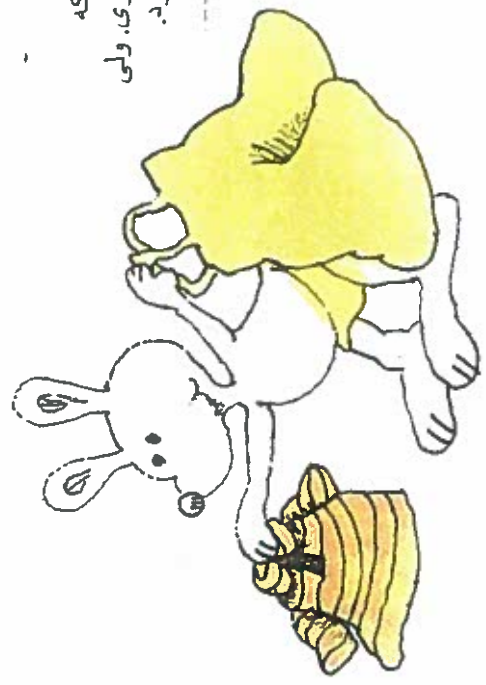
حالا لودده خسته می باشد. او
یک پیژامه خال دار دارد. او
حالا می خواهد پیژامه را بپوشد.

۱۶

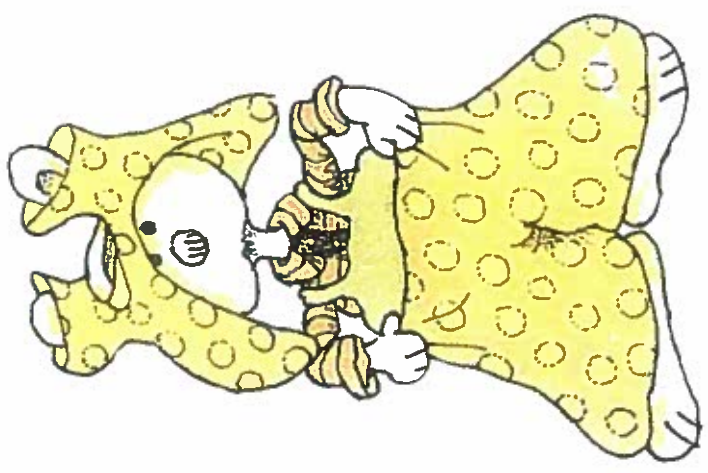


دقیقاً! باید چنین باشد! (ما بلمان نمی خواهد
به تو بگوییم که آنرا واژگون گرفته‌ای.
چون هیچ اشکالی ندارد.
کوشش خوبی بود!)

بله..... تو حتما یادت رفته که
اول لباسهای دیگر را در بپاری، ولی
پیت، پیت، لوده اشکالی ندارد.

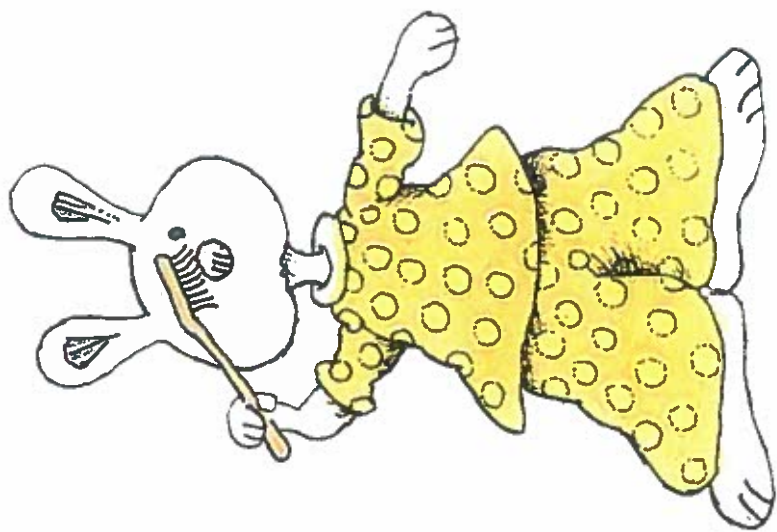
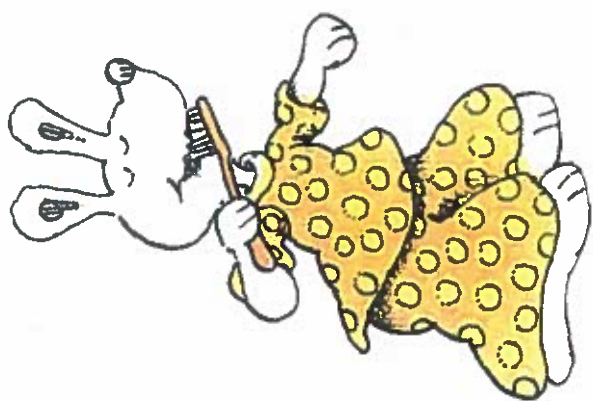


حالا لوده بیژامه را پوشیده است.
کاملا درسته! او یک مسواک هم دارد.
لوده حالا می خواهد دندانهایش را مسواک
بزند.



آفرین لوده! این را می توانی! نصف کارها خوب پیشرفت
نمی توان هر چیزی را به یاد داشت!

دقیقا. بله، انهایی را که در دهان داری!



لوده دندانها را باسنی مسواک بزنی، قرار نبود
که دماغت را مسواک بزنی....

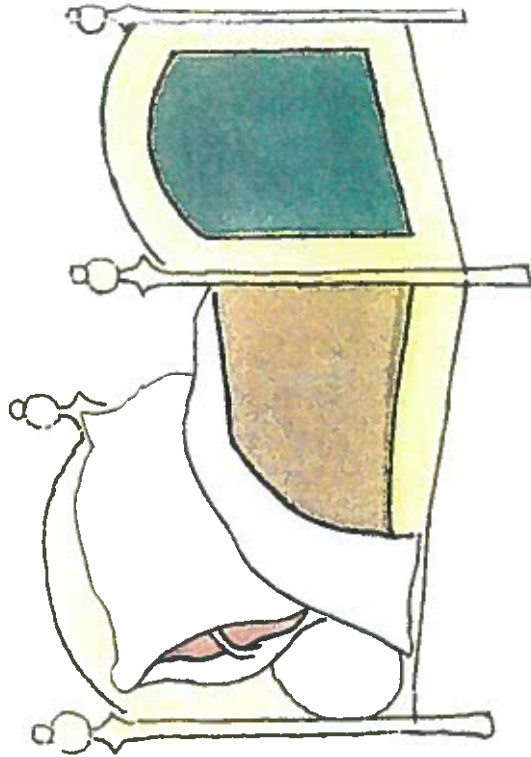
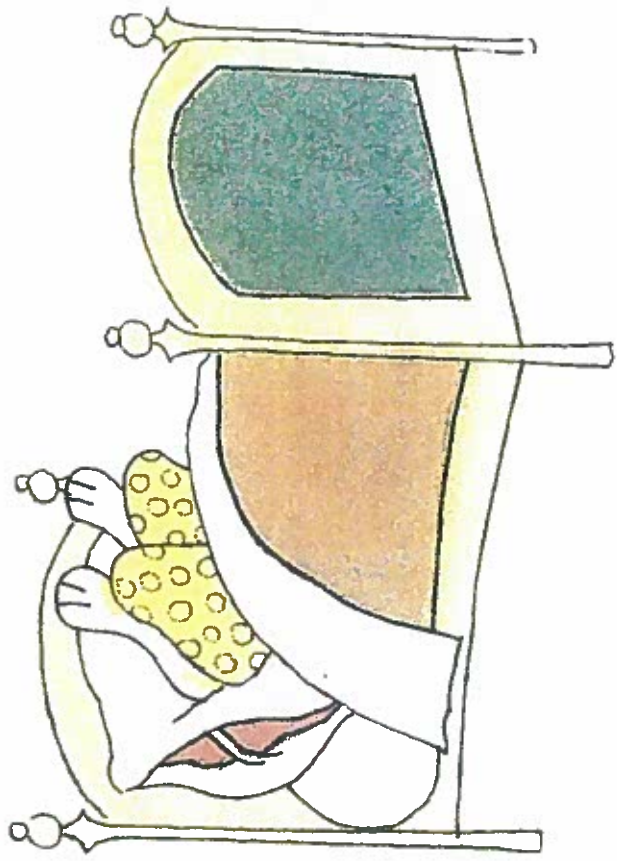
۱۹



حالا لوده می رود که بخوابد.

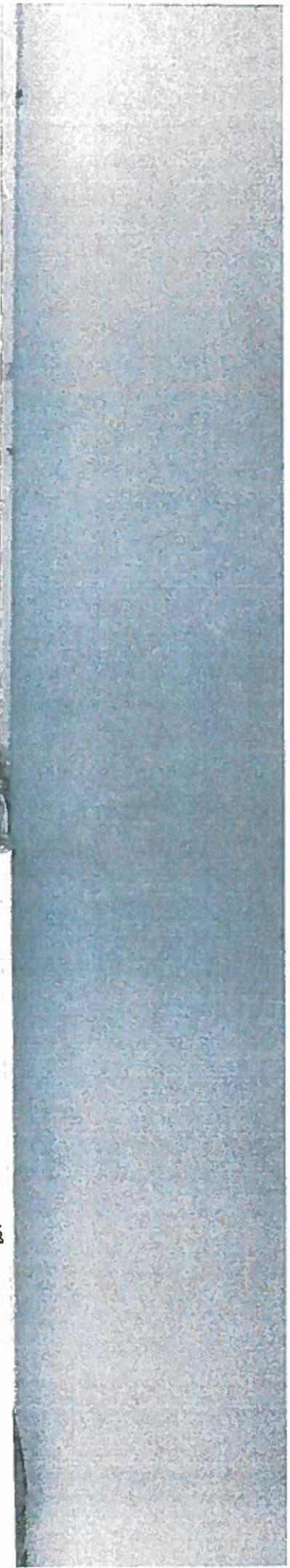
۲۰

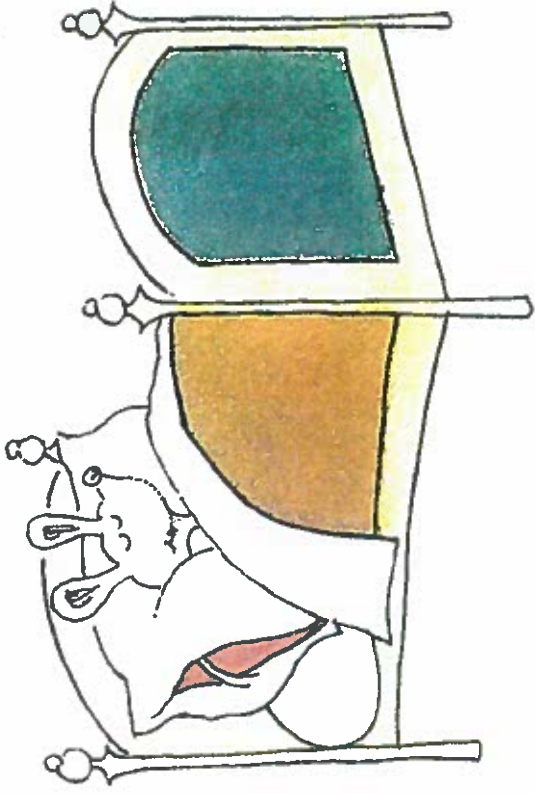
این تخت خواب لوده می باشد.



و اینجا خوب دراز می کشد و می خوابد.
نه!

نه!





ولی هیش.... ما نمی خواهیم که او را بیدار کنیم. ما فقط او را آرام برمی گردانیم. چون لوده مثل یک اسب گهوارهای خسته است. حیوان بودن اینقدر هم آسان نیست. او تمام روز این ور آن ور رفته و دست و پا زده است. این هم برای ما و هم برای او خسته کننده بوده است. لوده خوب بخواب. حیوان کوچک و عزیز ما.